

دولت و نهادها، سلاطین اقتصاد

ب ۷. در این وضعیت آیا چاره‌ای هست که به علمای نهادگرا این حق را ندهیم، اگر آنها پیش‌نیاز موفقیت در امور کشورداری و توسعه اجتماعی صنعتی را تحولات نهادی، بنیادی، تربیتی یا فرهنگی اعلام می‌کنند؟

ب ۸. با وجودی که تعلیم و تربیت از اولویت‌های کلیدی توسعه فرهنگی اجتماعی است؛ بااین‌حال ضروری است که پیش‌نیازهای سخت‌افزاری آن تحقق پیدا کند. متروی پاریس به این جهت شهرت پیدا کرده است که هر محصلی از هر نقطه پاریس می‌تواند در هفت دقیقه به مدرسه خود برود.

ج . فعالیت‌های اقتصادی دولت صرف‌نظر از تصدی‌گری و قانون‌گذاری به‌این‌صورت است که از جریان گردش اقتصادی، پول کالا و خدمات را بیرون می‌آورد و آنها را به همان صورت یا با ترکیباتی جدید در همان دوره یا در دوره‌های بعد به جریان گردش اقتصادی برمی‌گرداند. ما شمه‌های از فعالیت‌های اقتصادی دولت را مانند گرفتن انواع مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، اعطای یارانه و انواع بخشودگی‌های مالیاتی را جهت توسعه اقتصادی تبیین کردیم. بدیهی است که تولید و عرضه انواع خدمات آموزشی، بهداشتی، حفاظتی ایمنی، دادرسی و عدالت کستری، راه‌سازی، ایجاد پارک جهت گردشگری و تولید هوای خوب یا حفاظت از حدودوغور کشور (دفاع ملی) از تکالیف بنیادی عرضه خدمات و کالاهای عمومی است که بخش خصوصی به علت اصل طرد یا سواری مجانی (یا علل و عوامل دیگر) تولید نمی‌کند؛ بنابراین عرضه آن توسط دولت و هزینه‌های آن با گرفتن مالیات از عموم امکان‌پذیر می‌شود.

ج ۱. در این یادداشت‌ها، نکات بسیار مهمی درباره وظایف و عملکرد دولت در کشورهای پیشرفته صنعتی بیان شد. مثلا اینکه چقدر دولت‌ها در گرفتن انواع مالیات‌ها جدی و سختگیر هستند تا بتوانند وظایف خود را در خصوص عرضه کالاهای عمومی به‌خوبی به سرانجام برسانند. البته دولت‌ها می‌توانند درآمدهای دیگری به‌غیراز منابع مالیاتی داشته باشند ما فراهم کنند، مانند درآمدهای حاصله از صادرات نفت که در کشورهای نفت‌خیز عموما به بیماری هلندی یا مصیبت منابع شده است. یا دولت‌ها می‌توانند با نشر اسکناس، کسری مخارج خود را تأمین کنند که می‌تواند اثرات و پیامدهای نگران‌کننده‌ای در اقتصاد باقی بگذارد.

ج ۲. قدرت و توانایی دولت‌ها در چاپ پول بدون پشتوانه و انجام هرگونه هزینه و مخارجی از طریق نشر اسکناس (افزایش پایه پولی و تعدید نقدینگی) می‌تواند به راحتی موجب آن شود که دولت‌ها برخورد مسئولانه، متعدهانه، دقیق و منضبطی با مخارج خود نداشته باشند، امری که موجب تورمی را فراهم و تمام قانونمندی‌ها و دستاوردهای علم اقتصاد مدرن را سرکوب می‌کند. دولت ایران هم با تورمی در حدود سالانه ۲۰ درصد در چهار دهه گذشته مستثنا از این کرونای تورمی نبوده است.

ج ۳. تورم و نوسانات تورمی مخمل و مخرب سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، تحقق عدالت و برابری اجتماعی و در نهایت سرمنشأ بسیاری از بلایای اخلاقی و فرهنگی در جامعه است. بنابراین بی‌جهت نبوده است که اقتصاددانان بزرگی مانند اوینک آلمانی در دهه ۵۰ میلادی، ثبات اقتصادی و قیمت‌ها را از مهم‌ترین عوامل یا منابع تولیدی در هر کشوری برشمرده است. در میان کشورهای اروپایی، انگلیس آخرین کشوری بود که در میان کشورهای بازار مشترک توانست و موفق شد تورم ۱۰درصدی خود را به حد مجاز سه تا چهار درصد برساند. ثبات اقتصادی آن قدر بر قوام بازار مشترک با اتحادیه اروپا حیاتی تشخیص داده شد که یکی از اولین اقدامات آن، تشکیل یک بانک مرکزی برای تمام این کشورها و اعلان سه درصد کسر بودجه مجاز برای هر یک از آن کشورها بود.

ج ۳. مالیات تورمی اگرچه در ابتدای امر مسکن بسیار خوبی برای تأمین مخارج بی‌حدوحصر دولت‌هاست ولی عواقب برگشت مشدد این درد و مصیبت و نقش بومرنگی آن به مرور زمان، باعث بلایا و مصائب جبران‌ناپذیری برای هر کشوری می‌شود. نگاه کنید به واگرای و ازهم دورشدن درآمدها که از یک طرف سستی را به فرودستان جامعه مانند بی‌کاران تحمیل می‌کند و از طرف دیگر به انباشت و چندبرابرشدن ارزش دارایی‌ها و ثروت‌های گروه‌های برخوردار و ثروتمند منجر می‌شود که بدون کوچک‌ترین سعی و کوششی صاحب این اموال بادآورده می‌شوند. ثروتی که می‌تواند به‌جای به‌کارافتادن در صنایع و ایجاد درآمد و اشتغال در امور تجملی و فرار سرمایه به کار گرفته شود. مخارج تجملی و خودنمایی تازه به دوران رسیده‌ها در ایران که اظهر من الشمس و در خروج سرمایه هم که زیانزد است. بارآورده نشان آن از دارد که فرار سالانه سرمایه در ایران، ۲۰ میلیارد دلار بوده و جدیداً، به ۳۰ میلیارد افزایش پیدا کرده است و این در حالی است که خروج سرمایه و ارز در کشورهای توسعه‌یافته (حتی در مبالغی بسیار کوچک) به‌شدت تحت کنترل است. از دیگر مصیبت‌های تورمی می‌توان به برآورد اولیه هزینه پروژه‌های زیربنایی اشاره کرد که این هزینه‌ها در طول زمان یعنی تا اتمام آن به علت افزایش دائمی هزینه‌ها، به چندبرابر افزایش پیدا می‌کند و شاید هم پروژه‌های ناتمام به علت فقدان بودجه لازم و کهنه‌شدن فناوری، نیمه‌کاره رها شوند. آخرین بخش این یادداشت‌ها به عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب اشاره‌ای دارد.

شرق: چهار سال پیش، نیمه‌شب یکی از همین روزها، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی خبر از شروع کودتایی برای سرنگونی دولت رجب طیب اردوغان دادند. در میانه غوغای کودتا و در فضایی که رئیس‌جمهور ترکیه با حامیانش در تماس تصویری بود، دولت جمهوری اسلامی ایران موضعی مبنی بر حمایت از «دولت قانونی مستقر» گرفت. پس از شکست نهایی کودتا نیز، تهران در بیانیه‌ای بر این حمایت تأکید کرد و در مقابل، آنکارا به تقدیر و تشکر از ایران پرداخت. این تقدیر و تشکر هرساله در سالگرد کودتا از سوی سفارت ترکیه تکرار می‌شود؛ همان‌گونه که روز گذشته این سفارت بیانیه‌ای به همین مناسبت منتشر کرده‌است. به همین بهانه، گفت‌وویی با محمدعلی دستمالی، کارشناس مسائل منطقه، داشته‌ایم. او می‌گوید اختلافاتی که در سال‌های اخیر بین ایران و ترکیه وجود داشته‌اند، به اندازه‌ای نیستند که بتوانند به رابطه مهم بین دو همسایه، ضربه‌ای بزنند؛ البته از نگاه او هم‌زمان با این مسئله، این دو کشور در منطقه، رقیب هم هستند.

۴ جمهوری اسلامی ایران چهار سال پیش در حین کودتا و هم‌پس از آن بر حمایت از دولت قانونی مستقر در ترکیه تأکید کرد. حمایت ایران در آن مقطع از نگاه شما چطور و در چه حدی بود؟ اقدام ایران، بدون شک صحیح و شایان تقدیر بود. به باور من، آن حمایت، بجا، دوراندیشانه و ارزشمند بود؛ اما سطح حمایت، می‌توانست بالاتر باشد. **۵** در بیانیه‌ای که سفارت ترکیه به مناسبت چهارمین سالگرد کودتا منتشر کرده، آمده است که «برای عناصر قو (سازمان تروریستی وابسته به فتح‌الله گولن /فتو/ FETÖ) فرصتی قائل نمی‌شود. ارزیابی شما از این گزاره درباره حامیان گولن چیست؟ ایران موضع و اقدامی تابه‌حال در این زمینه داشته است؟

بلنت اچویت، نخست‌وزیر اسبق ترکیه، یک زمانی به فتح‌الله گولن گفته بود: «من بابت این اقدامات شما و تأسیس مدارستان در کشورهای جهان از شما متشکرم. این سدی است در برابر نفوذ ایران و عربستان سعودی». خود گولن هم بارها به تندی علیه ایران صحبت کرده و گفته او با و شبکیه مرموز و مودی‌اش با جمهوری اسلامی در یک جوی نمی‌رود. **۴** بیانیه و حمایت ایران در آن زمان از نگاه شما از چه موضعی صادر شد؟ مثلا مخالفت با ایجاد تنش در منطقه بود یا موضوع چیز دیگری بود؟ حفظ یک رابطه خوب با ترکیه در چند سال اخیر همواره برای ایران مهم بوده است. من تصور می‌کنم کارشناسان و دیپلمات‌های این حوزه، اطلاعات روشنی در اختیار نظام گذاشتند و تهران به این جمع‌بندی رسید که دولت آک‌پارتی، هم به خاطر مشروعبت مردمی و هم به خاطر قدرتی که در جهان اسلام و منطقه داشته، شایان حمایت و پشتیبانی است.

۴ از چهار سال پیش تاکنون روابط ایران و ترکیه

دیپلماسی

نگاهی به رابطه تهران– آنکارا، ۴ سال بعد از کودتا در ترکیه

اندکی سرمشق بگیریم و اندکی عبرت



۴ به باور شما، مفهوم «رقابت» در معادلاتی که بر سر روابط ترکیه و ایران سایه انداخته، تا چه اندازه جدی و اثرگذار است؟

طرح چنین موضوعی، جای تعارف ندارد. بنا به دلایل بسیار، ایران و ترکیه در این منطقه، رقیب هم هستند. صورت عیان این رابطه، گویای این است که رقابت بین ایران و ترکیه، تنه به خصوصت زنده و سیگنال‌ها، بیشتر بر فرکانس دوستی، حسن هم‌جواری و تلاش برای حفظ تقویت منافع مشترک، ارسال شده‌اند. به خاطر دارم یک بار در نشست‌ی با آقای امیت یاردم، سفیر اسبق ترکیه، دراین‌باره صحبت کردم. ایشان بعدا سفیر ترکیه در مسکو شد و حالا چند ماهی است که استعفا داده و به حزب داوودوغلو پیوسته است. از ایشان پرسیدم: شما

رقابت بین ایران و ترکیه را چگونه می‌بینید؟ پاسخ گفتم: «ما در مسیر خیر و نیکی، با هم مسابقه می‌دهیم!». کیست که نداند این یک پاسخ دیپلماتیک و مؤدبانه است و بر ارض واقع، در پرونده‌های مهمی نظیر عراق و سوریه، اثرگذاری بر موازانات خلیج فارس و کار و همراهی با فلسطینی‌ها همچنین نمایش قدرت در منطقه، رقیب هم هستیم. اگر از من پرسید: رقابت به نفع کدام سو پیش می‌رود؟ عرض می‌کنم در هر دو سو، شاهد یک وضعیت نسبی هستیم؛ یعنی از منظر برخی امتیازات جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی و عضویت در باشگاه‌های مهم جهانی، ترکیه حال و روز بهتری دارد. ترکیه، در روابط بین‌الملل، مانند ما دارای خطوط قرمز و قرمزتر نیست. برای چیزی که می‌خواهد، فعالیت می‌کند و بیشتر ژرف‌تر از این، با کشورهای اهل سنت روابط خوبی دارد؛ اما در دیگر سو، ایران مشکلاتی دارد؛ اما صاحب منابع انرژی است، در حوزه دفاعی و سیاسی، استقلال عمل بیشتری از خود نشان داده و به‌عنوان مثال، مانند ترکیه مجبور نیست در برخی اقدامات حساس و بزرگ، نیم‌نگاهی هم به انتقادات احتمالی اروپا داشته باشد. من فکر می‌کنم ما باید پیش از

به چه شکل پیش رفته است؟

چیزی که روابط کشورها را سرپا نگه می‌دارد، فقط خطرات خوب و خوش نیست. خاطره، یادگاری

و ارزش‌های مشترک، همه و همه، مفید هستند و تداومی چیزهای خوب، ضرری ندارد؛ اما ایجاد منافع مشترک، هموارسازی مسیر روابط اقتصادی و تجاری، احترام‌نهادن به تصمیمات و مواضع، پایبندی دوسویه و دقیق به تعهدات و درک حساسیت‌ها و مدغغه‌ها

نیز باید مورد توجه باشد. نمی‌توان انتظار داشت که ترکیه ایران را همسان قطر بنگرد یا ایران، ترکیه را مانند عراق بنگرد. در مجموع، رابطه در مسیر خوبی پیش رفته است. که‌گاه گلیه‌هایی از اردوغان دیده‌ایم و گاهی، مقامات ایرانی هم کنایه‌هایی به تیم اردوغان زده‌اند؛ اما در مجموع، اوضاع خوب است.

۴ این تعاملات دوجانبه آیا تأثیری در اختلافات دوطرف در بحث سوریه داشته یا برعکس؟

یکی از مسائل مهمی که ممکن است در مراحل آتی، بر روابط آنکارا – تهران تأثیر بگذارد، صورت نهایی بحران سوریه است. البته به احتمال قوی عمر دولت فعلی به آن نخواهد رسید و تیم اردوغان، باید به جای تیم فعلی که توسط محمود واعظی مدیریت می‌شود، با گروهی دیگر مذاکره کند. مسئله سوریه در روابط ایران و ترکیه، یک زخم یا پاشنه آشیل نیست. یک نقطه تفاوت دیدگاه و تنازع منافع است. ترکیه، خیلی بی‌تعارف، هنوز هم خواهان کناررفتن اسد است و ایران دیدگاه دیگری دارد. شواهد نشان می‌دهد که طرفین با ظرافت و هوشیاری، به نحوی نیزشده، اما قطعا اگر در سوریه اوضاع از کنترل خارج شود، تبعاتی برای روابط تهران – آنکارا نیز خواهد داشت. در همین سفر سرلشکر باقری به دمشق نیز دیدیم که باقری آشکارا از تأخیر ترکیه در مدیریت تحولات ادلب، انتقاد کرد. شاید باید منافع حوزه‌های دیگر، به درجه‌ای برسد که تغییرات آتی سوریه، رابطه را به شکل جدی تحت تأثیر قرار ندهد.

ادامه از صفحه اول

دشواره اصلاح‌طلبی

معلوم نیست که هم دل در گرو انقلاب و انقلابی‌گری دهه ۵۰ دارند، هم می‌خواهند در این زمان نقش اصلاح‌طلبانه ایفا کنند.

۱۰- دوگانه حضور سیاسی یا بازگشت به جامعه: درحالی‌که جریان غالب اصلاحات بر ضرورت حضور در حوزه سیاست اصرار دارد، برخی معتقدند باید به جامعه بازگشت و با اقشار مختلف مردم ارتباط گرفت. در این باره، مسائل اقتصادی و حتی مسائلی همچون محیط زیست بر امر سیاست تقدم پیدا می‌کند. درحالی‌که در انتخابات اخیر، نبوی بر حضور بدون شرط در انتخابات اصرار می‌کرد، حجابیان شرط و شروطی برای آن داشت. ابهام درباره چگونگی روباوری با اعتراضات آبان ۹۶ و دی‌ماه ۹۸ نیز مصداقی دیگر از این سنبله به حساب می‌آید.

۱۲- دوگانه تداوم یا تحول: اصلاحات به معنای آنچه در دولت اصلاحات وجود داشت، قبل از پایان آن دولت به بن‌بست رسیده بود؛ هرچند اصلاحات به معنای کلی آن همواره وجود داشته و وجود خواهد داشت. بنابراین به‌جای سخن از «پایان اصلاحات»، باید از «موج‌های اصلاحات» بحث کنیم. اگر این فرض را بپذیریم که از پایان دولت اصلاحات وارد موج دوم اصلاحات شده‌ایم، باید اذعان کنیم که در پایان سال ۹۸، وارد موج سوم اصلاحات شده‌ایم. موج جدید اصلاحات بی‌سر است، ممکن است دغدغه‌های اقتصادی‌اش بیشتر از اولویت‌های سیاسی آن باشد و حتی به شکلی عرفی‌گرا شود. ظاهرا کسی از جبهه اصلاحات، تکلیف موج‌های

اینکه خیلی نگاه‌مان را روی ترک‌ها متمرکز کرده و دوربین‌های‌مان را روی اقدامات آنان زوم کنیم که مثلا چند متر تا خط پایان فاصله دارند، باید روی کشور خودمان کار کنیم. همین الان شما نگاه کنید و ببینید زیرساخت‌های بانکی، ترابری، گمرکی و رفتارهای مالی ما به شکلی است که حتی شرکت‌های ترک هم نمی‌توانند به‌راحتی با ما کار کنند. در ترکیه، اگر شما بخواهید ملک بخرید یا به دنبال کار و سرمایه‌گذاری باشید، تمام سیستم به کمک شما می‌آید و شما را با کاغذبازی و جمع‌آوری کلکسیون امضا خسته و هلاک نمی‌کنند؛ اما در ایران چنین نیست. من تمایل دارم به دو حوزه مهم دیگر اشاره کنم که متأسفانه ما، در رقابت با ترکیه در هیچ‌کدام از این دو میدان، شانس چندانی برای موفقیت نداریم. منظورم دو حوزه مهم توریسم و دانشگاه است. درآمد ترکیه به ۴۰ میلیارد دلار در سال رسیده و ما هنوز نهن‌تها گیر و موانع خاص داریم؛ بلکه صاحب هتل‌های خوب با قیمت مناسب نیستیم. جاده‌های‌مان تعریفی ندارد، فرودگاه‌ها و صنایع هوایی‌مان در وضعیت بدی است و دانشگاه‌های‌مان نیز در دو دهه گذشته، نهن‌تها مانند ترکیه توان جذب دانشجوی خارجی نداشته‌اند؛ بلکه پاسخ‌گوی نیازهای داخل نیز نبوده‌اند. در نتیجه باید خیلی جدی‌تر و اثرگذارتر کار کنیم و از یاد نبریم که حتی اگر حزب عدالت و توسعه نتواند همه اهداف سند توسعه ۲۰۲۳ را عملی کند، باز هم در بسیاری از حوزه‌ها، کارنامه شایان دفاعی داشته و باید خیلی جدی و عمیق، عملکرد دولت ترکیه را تحلیل کنیم. در بعضی جاها از آنها سرمشق بگیریم و در برخی حوزه‌ها، عبرت.

۴ چشم‌انداز آینده روابط تهران– آنکارا را چگونه می‌بینید؟ بخشی از ابعاد کیفی رابطه ایران و ترکیه، مرتبط با منشی دولت در ایران است. واقعیت این است که تیم احمدی‌نژاد، در حوزه‌های مختلف، برنامه خاصی برای تقویت روابط منطقه‌ای نداشت و به شکل مطلوب از ظرفیت رابطه با ترکیه بهره نگرفت؛ اما احتمالا این سخن عاری از اغراق است. اگر گفته شود که در دوران روحانی، هیچ‌کدام از روابط منطقه‌ای ایران، به اندازه رابطه با ترکیه، جان نگرفت و بر روی آن کار نشد. درحال حاضر هم، تاجایی‌که شناخت دارم، سفرای هر دو سو، دیپلمات‌های اکتیو و دلسوزی هستند و رابطه خوبی برقرار است. می‌گویم خوب و نمی‌گویم مطلوب و عالی؛ چون ایران و ترکیه به‌عنوان میراث‌داران بزرگ این جغرافیه، می‌توانند بیشتر و ژرف‌تر از این، با هم کار کنند. درست‌کم در میان‌مدت، دلیل روشن و ملموسی برای تضعیف این رابطه نمی‌بینم؛ اما چک سفیدامضا هم صادر نشده و بدون شک در سال‌های آتی، تغییر دولت در ایران، فرجام نهایی پرونده سوریه، حضور ترکیه در خلیج فارس و مواردی از این دست، می‌تواند این درخت را بلرزاند.

اصلاح‌طلبی را مشخص نکرده است.

۱۳- نسبت با دولت روحانی (و حاکمیت): در سال ۹۲ وقتی گزینه همراهی با کاندیداتوری روحانی مطرح شد، ۲۷ نفر از از ۳۰ نفر شورای مشاوران با این مسئله مخالف بودند؛ هرچند باشنه در به نفع روحانی چرخید؛ البته مشخص بود که روحانی اصلاح‌طلب نیست و پس از مدتی تراجوت آرای او با اصلاح‌طلبان مشخص خواهد شد. فشار داخلی و خارجی بر دولت روحانی از کارآمدی آن کاست و گزینه جدید مردم عادی، عبور از اصولگرایی و اصلاح‌طلبی شد. در این شرایط، این سؤال برای اصلاح‌طلبان به وجود آمد که آیا تا آخر با روحانی بنامیم یا نه؟ پس، برخی سعی کردند از جایی به بعد حساب خود را از دولت جدا کنند تا به تعبیر خودشان عملکرد دولت به حساب اصلاح‌طلبان نوشته نشود. وقتی حجابیان گفت «دیگر نمی‌شود جنس بنجل به مردم داد»، عطربانفر پاسخ داد «جمع‌بندی حجابیان امر واقع و مقبولی نیست و پذیرش چندانی ندارد. وقتی سخن از جنس بنجل می‌شود، باید مشخص شود منظور چیست.»

۱۴- نتیجه: «مسئله»‌های اصلاح‌طلبی، امروزه به یک «دشواره» تبدیل شده است. این دشواره در صورتی قابلیت حل‌وفصل دارد که مسائل پادشده منظر قرار گیرد. هرچند اصلاح‌طلبی مشکلات فراوانی پیش‌روی خود دارد، ولی تنها گزینه معقول به نظر می‌رسد.

کمی واقع‌بینانه‌تر بود، اما چه‌بسا اگر دیپلمات‌های ایران حضور فعال‌تری در فرآیند صدور و تصویب این قطع‌نامه داشتند، می‌توانستند منافع بهتری را برای کشور در این قطع‌نامه بکنجاند. پذیرش قطع‌نامه تبعات و نتایج مثبت و منفی مختلفی داشت. شاید منفی‌ترین نتیجه این بود که ایران با پذیرش قطع‌نامه به نوعی قبول کرد که نتوانست به اهدافی برسد که بعد از فتح خرمشهر برای خود پیش‌بینی کرده بود؛ اما نافتن پیاداست که پذیرش قطع‌نامه را نمی‌توان به شکست ایران در جنگ تعبیر کرد، به‌دلیل اینکه ایران با پذیرش قطع‌نامه به دستاوردهایی رسید که در طول هشت سال جنگ به آنها نائل نیامده بود. دستاوردهایی مانند اینکه اولاً از واردشدن خسارت بیشتر به کشور جلوگیری شد. ایران قطع‌نامه را زمانی پذیرفت که از نظر وضعیت اقتصادی و شرایط فروش نفت به‌عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد کشور، با مشکلات عدیده‌ای روبرو بود. ثانیاً به‌رحال ایران توانست با پذیرش قطع‌نامه تبلیغاتی را که دشمنان ایران و کشور عراق دائم در سوق و کرنا می‌کردند، خنثی کند. نکته سوم بحث شناساندن ماهیت تجاوزکارانه صدام و رژیم بعث به جامعه بین‌الملل و افکار عمومی بود؛ به‌ویژه اینکه بعد از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ از سوی ایران ما شاهد تجاوز مجدد ارتش عراق به سمت خرمشهر و جاده اهواز به خرمشهر بودیم. این نشان داد با وجود شعارهای صلح‌طلبانه‌ای که عراقی‌ها می‌دادند، وقتی که شرایط را مهیا دیدند، دوباره دست به حمله به ایران زدند. افکار عمومی بین‌المللی این را برنمی‌تافت و حتی قدرت‌های بزرگ بین‌المللی هم که در طول جنگ از عراق حمایت می‌کردند، این حرکت جدید عراق را تأیید نکردند و بر توقف ارتش عراق تأکید کردند.

درس‌های پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸

مفاد قطع‌نامه هم می‌توانیم بگوییم برای اولین‌بار بود که در این قطع‌نامه موضوع شناسایی آغازکننده جنگ مطرح شد که تا قبل از آن وجود نداشت. همچنین تفکات اساسی قطع‌نامه ۵۹۸ با قطع‌نامه‌های قبلی شورای امنیت درباره جنگ ایران و عراق این بود که این قطع‌نامه ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل تصویب شده بود؛ یعنی قدرت‌های بزرگ و اعضای شورای امنیت در آن مقطع زمانی، جنگ ایران و عراق را به‌عنوان یک رویداد ناقض صلح و امنیت بین‌المللی شناخته بودند و باید هرچه‌زودتر درباره آن تصمیمی گرفته می‌شد. طبیعتاً قطع‌نامه‌هایی که ذیل فصل هفتم صادر شود، از لحاظ حقوق بین‌الملل، برای اعضای سازمان ملل جنبه الزام‌آور خواهد داشت و ضمانت اجرای آن نسبت به قطع‌نامه‌هایی که مثلاً ذیل فصل ششم باشد خیلی بیشتر است. از لحاظ موضوع و

ایران: هیچ جایگزینی برای برجام وجود ندارد

وزارت خارجه ایران در پنجمین سالگرد توافق برجام در بیانیه‌ای با اشاره به شرایط پیش‌آمده برای برجام یادآوری کرده است که «برجام با مخاطره جدی مواجه شده است که اگر مورد مراقبت جامعه بین‌المللی برای تضمین اجرای متوازن و با حسن نیت همه طرف‌های برجام قرار نگیرد، می‌تواند قربانی دیگری از رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه دولت آمریکا باشد که مسئولیت بین‌المللی و پیامدهای آن منحصرا متوجه این کشور و دولت‌های همراه خواهد بود». در این بیانیه آمده «عدم پایبندی اساسی دولت آمریکا به تعهدات خود ذیل برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ و فقدان اراده دیگر طرف‌ها در اعاده توازن از دست‌رفته در برجام، شرایط کنونی پیرامون برجام را پیچیده‌تر ساخته و عملا سبب شده تا جمهوری اسلامی ایران، با وجود پایبندی به تعهدات خود، نتواند از آثار برجام مانند رفع تحریم‌های هسته‌ای بهره‌مند شود». در ادامه این بیانیه آمده «متأسفانه، شرایط به گونه‌ای پیش رفته که باید با دیگر حقوق و تکالیف مندرج در این توافق را که در مذاکرات سخت و پیچیده میان ایران و ۵+۱ به نمایندگی از جامعه بین‌المللی توافق و مورد تأیید قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت قرار گرفته است، برای اعضای باقی‌مانده برجام همچنین دولت‌های عضو سازمان ملل متحد یادآوری کنیم. از تأکید قطع‌نامه ۲۲۳۱ «ارتقا و تسهیل توسعه تعاملات اقتصادی و تجاری عادی و همکاری با ایران» و «اجرای کامل چارچوب زمان‌بندی» برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ گرفته تا اهمیت نظام رفع تحریم‌های برجام به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی توافق حاصل‌شده». «برجام یک راه‌حل دیپلماتیک مذاکره‌شده برای حل‌وفصل مسائلی‌آمی‌ز یک بحران مزمن شکنجی درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود که ماهیتی جامع و نهایی دارد. ایران با جدیت و با نگاه به آینده وارد مذاکره شد و نتیجه مذاکره را با حسن نیت اجرا کرد... در قبال آن تحریم‌های ظالمانه‌ای که به بهانه برنامه هسته‌ای وضع شده بودند، باید مرتفع می‌شدند. متأسفانه جمهوری اسلامی ایران نهن‌تها از منافع اقتصادی رفع تحریم‌ها منتفع نشد؛ بلکه بار دیگر شاهد اقدام برخی از دشمنان برجام برای احیای پرونده‌های مخنومه، با هدف نابودی کامل دستاوردهای برجام هستیم». «...همان‌گونه که مکررا تأکید شده است، مذاکره مجدد برجام و اصلاح نظام رفع تحریم‌ها تحت هیچ شرایطی قابل تحمل نبوده و پاسخ جمهوری اسلامی ایران، قاطع و تعیین‌کننده خواهد بود. جامعیت و نهایی‌بودن این توافق که به‌سختی و پس از دو سال مذاکره فشرده در بالاترین سطوح، با ترسیم همه جزئیات و با جدول زمان‌بندی دقیق به دست آمده است، نباید به‌هیچ‌وجه مخدوش شود. هیچ جایگزینی برای این توافق وجود ندارد؛ پس اگر اراده سیاسی جامعه بین‌المللی به‌ویژه اعضای باقی‌مانده برجام بر حفظ این توافق مهم است، بسیار مهم است که بر تضمین اجرای متوازن و با حسن نیت توافق تمرکز کنیم». «در پایان، جمهوری اسلامی ایران ضمن اعلام آمادگی مجدد بر حفظ و اجرای کامل مفاد برجام از سوی همه طرف‌های این توافق، به‌ویژه ضرورت انتفاع کامل ایران از آثار اقتصادی نظام رفع تحریم‌ها – آن‌گونه که در برجام پیش‌بینی شده – مصمم است تا در قبال هرگونه زیاده‌خواهی و رفتارهای غیرمسئولانه اقدامات قاطع اتخاذ کند و سه کشور اروپایی را قویا فرا می‌خواند که به جای حرکت در مسیر سیاست فشار حداکثری ایالات متحده، با پایبندی به تعهدات خوش، زمینه حفظ و اجرای کامل برجام را فراهم آورند».

جوسپ بورل:

ایران باید بتواند از منافع اقتصادی‌اش در برجام بهره‌مند شود
جوسپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در پنجمین سالروز امضای برجام در پایتاکه خبری پراکت سیندیکت یادداشتی نوشته و به نکاتی اشاره کرد؛ ازجمله: امروز، برجام از سوی جبهه‌های مختلفی تحت فشار است. من به این باور رسیده‌ام که اقدام برای حفظ آن نهن‌تها ضرورت دارد؛ بلکه فورا باید انجام شود... اگر برجام از بین برود، هیچ انتخاب جایگزین جامع یا مؤثر دیگری وجود ندارد. دوم اینکه برجام تنها یک موفقیت نمادین نیست، این توافق وعده‌هایش را عملی کرده و کارآمدبودنش ثابت شده است... ایران با وجود متحمل‌شدن تأثیر تحریم‌های آمریکا بعد از خروج از توافق، من مدت ۱۴ ماه هنوز کاملا به برجام پایبند بود... من به‌عنوان هماهنگ‌کننده کنونی برجام به همکاری با تمام اعضای باقی‌مانده در برجام و همچنین جامعه جهانی برای حفظ این توافق ادامه خواهیم داد... او با بیان اینکه ایران پس از کاهش تعهدات باید به پایبندی کامل بازگردد، گفت: البته لازم است که ایران بتواند از منافع اقتصادی در نظر گرفته‌شده در برجام هم بهره‌مند شود. با وجود اینکه پیش‌ازاین اقداماتی برای حفاظت از شرکت‌های‌مان در برابر تحریم‌های فرامطقه‌ای آمریکا انجام داده‌ایم، اروپا می‌تواند کارهای بیشتری برای رضایت ایران در زمینه تجارت قانونی انجام دهد. اتحادیه اروپا تلاش خواهد کرد تا یل‌هایی ارتباطی ساخته و شکاف‌ها را کمتر کند. سن بر این باورم که اگر بتوانیم برجام را حفظ کرده و از اجرای کامل آن اطمینان حاصل کنیم، این توافق می‌تواند سنگ بنای پرداختن به دیگر نگرانی‌های مشترک از جمله موارد مرتبط با امنیت منطقه باشد.